



یک جرعه حماسه

(مقتل نینوائی)

www.ketab.ir

مجید پوربور



بوربور، مجید

یک جرعه حماسه (مقتل نینوایی) / سروده مجید بوربور

قم: ارمغان قرآن، ۱۳۹۰

ص ۱۲۸

ISBN: 978-600-92400-1-2

قیمت: ۲۶۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. واقعه کربلا، ۶۱ ق. - مرثی. ۲. حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴-۶۱ ق. - مرثی. ۳.

شعر مذهبی قرن ۱۴. ۴. شعر فارسی - قرن ۱۴. الف. عنوان. ب. عنوان: مقتل نینوایی

ی ۷۵۹ ب

۸ فا ۱/۶۲

PIR ۷۹۶۳/۹۱۶ ی ۸

۱۳۹۰



نام کتاب یک جرعه حماسه (مقتل نینوایی)

سروده مجید بوربور

ناشر ارمغان قرآن

نوبت چاپ اول / ۱۳۹۰

چاپ پیشرو

شمارگان ۲۰۰۰ جلد

قیمت ۲۶۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۴۰۰-۱-۲

مرکز پخش: قم / خ شهید فاطمی / کوچه ۳۰ / فرعی ۱۷ / پ ۲۶

تلفن: ۷۷۴۸۲۶۹ - تلفکس: ۷۷۳۶۷۸۱

بسمه تعالی

السلام عليك يا ابا عبد الله
و على الارواح التي حلت بفنائك،
عليك منى سلام الله ابدًا ما بقيت و بقى الليل و النهار
و لاجله الله آخر العهد منى لزيارتكم
السلام على الحسين و على على بن الحسين
و على اولاد الحسين و على اصحاب الحسين

پیشگفتار

با نام و یاد خدای سبحان و سپاس از عنایت حضرت سیدالشهداء ابا عبدالله
الحسین علیه السلام که یاری فرمود، طی سال‌ها تحقیق و پژوهش و نیز از بدو تألیف،
آرزومند آن بودم که روزی بتوانم به مناقب اهل بیت عصمت و طهارت بپردازم،
گویا تا این زمان وقتش نرسیده بود یا اجازه نداشتم اما بالاخره این آرزو تحقق
یافت و التماس‌هایم مقبول نظر این خاندان با عظمت، خاصه حضرت امام
حسین علیه السلام واقع و بنابر باورم اجازه فرمودند تا آموخته‌ها و مطالعاتم از کتب روایی
و تاریخی همچون در کربلا چه گذشت؟ (نفس المهموم) و ترجمه‌ی لهوف سید
بن طاووس رحمته الله و غیره را در قالب مقتل‌روایی مثنوی بسرایم و اینک که مقدمه بر
آن می‌گذارم هیجان بغض آلودی مرا در برگرفته است بنابراین ضمن آنکه امید
آن دارم تا مقبول طبع لطیف و ملکوتی صاحب و ارباب عالم تشیع و باب نجات
شیعیان حضرت صاحب الامر و الزمان قرار گرفته و این هدیه‌ی ناچیز را از حقیر



بپذیرند در عین حال از شما بزرگواران نیز تقاضا دارم که این کار دل را به ترازوی فنون بلاغت نگذاشته و چوب ملامتم ننزید که به انتظار دعای خیر شما در قبولی این اثر به ذخیره‌ی آخرتم بسر برده تا بلکه بدین سبب بتوانم مشمول شفاعت سید و سالار شهیدان قرار گیرم و نیز امیدوارم که بتوانم دیگر آثار ولایی خود را از قبیل حکایت درد (جریان شهادت بی‌بی دو عالم - سلام الله علیها - [۱۱۰ بیت]) و ساقی نامه‌ی ۱ و ۲ (منقبت حضرت امیرمؤمنان علیه السلام و مولودیه‌ها را در آینده‌ای نزدیک تقدیم نمایم.

همچنین یادآور می‌شوم که سعی بر آنست تا در این مقدمه و در چند فصل، از دیدگاه‌های مختلف به تشریح تاریخچه‌ی مقتل و مقتل خوانی و ویژگی‌مقتل فوق، تفاوت تأثیر مقتل با دیگر آئین‌های عزاء، ذکر ویژگی‌های عاشورائیان از طریق مقتل، تثبیت فرنگ ولایتمداری از دیدگاه مقتل، نگرش اعتقادی موضوع شهادت در مقتل و فرایند مقتل خوانی و مراسم آئینی در جامعه‌ی مدرن پرداخته شود.

تاریخچه‌ی عزاداری در ایران

همانگونه که مستحضرید اصل عزاداری و اقامه‌ی ماتم برای شهداء در اسلام سابقه داشته شاهد مثال آنکه پس از جنگ احد پیامبر از محله‌ی «بنی عبد الاشهل» می‌گذشت که صدای شیون زنانی را که بر کشتگان خود می‌گریستند شنیده و اشک از چشمان مبارکش جاری شد و در پی آن فرمود: ولی کسی نیست که بر حمزه بگیرد بنابراین رؤسای قبیله‌ی بنی عبدالاشهل پس از آگاهی از این

اقامه‌ی عزا کنند و چون پیامبر صدای آنها را در سوگواری حمزه شنید آمد و از آنها سپاسگزاری و ایشان را دعا فرمود بهرحال در آن دوره مشخصه‌های عزاداری محدود بود به مرثیه‌سرایی و گریستن، و نیز چون پیامبر رحلت فرمود مردم مدینه به گریه پرداختند، در شهادت علی علیه السلام فرزندان آن حضرت و مردم کوفه به شدت گریه کردند و همچنین در شهادت امام حسن علیه السلام برادرش محمد حنفیه سخت نوحه‌سرایی کرد و بی‌شک نخستین کسانی که بر امام حسین علیه السلام گریستند اهل بیت آنحضرت بودند و همینطور این شیوه ادامه داشت تا قرن چهارم که در زمان آل بویه راه افتادن دسته‌های سینه‌زنی در میان شیعیان رایج شد.

در اینجا بد نیست که یادآور شویم عاشورا یک اتفاق ساده نیست بلکه از مدار یک اتفاق تاریخی فراتر است گویی عاشورا گوهر اصلی باور ماست و چون عاشورا رازگشایی از یک ذبح عظیم بود این رازگشایی دیگر در ظرف تاریخ نمی‌گنجد و تبدیل به یک فرهنگ می‌شود و این فرهنگ است که بیش از هزار سال زنده مانده است مثلاً مسجد رأس الحسن در قاهره قلب تپنده‌ی زایران و عزاداران حسینی است در قندوز افغانستان مزاری نمادین است که در آنجا شیعیان اقامه‌ی عزا می‌کنند در لکهنو، (هند) امام باره تأسیس کرده‌اند و عزاداری در آنجا را مقدس می‌شمارند و شیعیان هند بسیار پای بند به آن عزاداری‌ها در امام باره‌ها هستند و یا در پاکستان اسبهای سپیدی را در هر شهر یا محله در طول سال با احترام، تیمار می‌کنند تا فقط در روز عاشورا او را در زمان «برآمدن شدن ذوالجناح» از پس پرده به صحنه بیاورند تا غوغای عزاداران به آسمان برود. بنابراین هر کدام



از این پدیده‌ها نشانه و نمادی هستند که چگونه عاشورا تبدیل به فرهنگ شده است. لذا این فرهنگ با همه‌ی آرمان‌ها و آرزوهای مردم در گذار سال‌ها آمیخته شده است و از آنجا که گونه‌های عزاداری پدیده‌های فرهنگی هستند ما به طور اجمالی به ذکر چند گونه از آنها می‌پردازیم پیش از ذکر آن گونه‌ها بیان این مطلب ضروریست که بر پایی آئین باعث می‌شود که انسان با دلش به تفسیر عشق بپردازد و ایثار، جوانمردی، دادخواهی و ظلم ستیزی را با روح و ضمیر، تأویل کند و از سویی دیگر با نگاهی به آئین‌های عاشورایی به تعامل تاریخ با واقع‌های حانسوز کریلا پی ببرد. خب تا اینجای بحث رسیدیم. به اینکه ابتدا گونه‌های عزاداری را نام ببریم تا به مقوله‌ی مقتل و مقتل خوانی برسیم؛ آئین‌های عاشورایی عبارتند از: مناقب خوانی - مناجات خوانی - چاووش خوانی - علم گردانی یا نخل گردانی، چک چکو و مقتل خوانی.

منقبت خوان به لحاظ واژه‌شناسی تاریخی به مدّاح شیعه گفته می‌شود و مناقب خوانی گونه‌ای از ستایشگری مذهبی و روایات حماسی، آئینی مذهبی و هنری است که به شکل تلویحی و ضمنی انجام می‌شود منقبت خوانی با آغاز شکوفا شدن شعر پارسی جان گرفت و به همین ترتیب بسیاری از آثار آوایی و شفاهی منقبت خوانی از کلام بافر و باشکوه شاعران برجسته‌ی ادب پارسی که دلباخته‌ی خاندان عصمت و طهارت بودند تأثیر گرفته و در میان مردم زمزمه شد اشعار مدح و منقبت امام حسین علیه السلام از همان دوره‌ی سامانیان در کلام دلباختگان معصومین ظهور پیدا کرد و در زمان غزنویان و سلاجقه فراگیر شد و در زمان آل بویه به اوج شکوفایی رسید و در زمان صفویه به شیوه‌ای منظم و پویا در میان

مردم رواج یافت با این حال در ادبیات عرب نیز شاعران مشهور از جمله کُمیت بن زید اسدی، دِعبِل خزاعی و سَید حمیری مدح و منقبت را رواج دادند.

مناجات خوانی

ذکر ادعیه، ثنا و دعا و اشعار و آواهای مذهبی که در زمان برپایی مراسم عزاداری برپا می‌شود اشکال آوایی و نوعی نیایش عبادی و آئینی بخود گرفته است.

مناجات خوانی به عنوان یک آئین در روحیه جوانمردی و پهلوانی، قهرمان ایرانی تبلور یافته و در بسیاری از مراحل و مقاطع وسیله‌ای برای توسل به خاندان عصمت و طهارت است و آنچنان که از دل تاریخ برمی‌آید قلب مبارک حضرت ابا عبدالله علیه السلام همواره با خداوند متعال بود و لحظه‌ای هم حجم سنگین زمان را به دل مبارک خویش راه نمی‌داد سالار شهیدان دعا و مناجات با خدا را همواره یک اصل قرار داده بود و یکی از معروفترین دعا‌های آن حضرت دعایی بود که در ظهر عرفه در حالت خضوع و خشوع در سمت چپ کوه عرفات خواندند و بنابر اعتقاد بعضی از مناجات خوانان دعای عرفه که فی البداهه توسط آن حضرت خوانده شد از زیباترین لحظه‌های راز و نیاز آن معصوم با ذات احدیت بود بنابراین آئین مناجات خوانی چون در کنار بسیاری از مراسم سوگواری برپا می‌شود باعث روشنی دل و ضمیر مردمانی می‌شود که در دل شب‌های دعا و نیاز روحشان را صیقل می‌دهند.



علم گردانی و نخل گردانی

نخل گردانی از جمله آئین‌های ویژه‌ی عاشورا است که در بسیاری از نقاط کشور برپا می‌گردد نخل گردانی و مشعل گردانی از آئین‌های سنتی خاص منطقه خراسان است که به شکل مخصوصی اجرا می‌شود. نخل در اصطلاح حبله ماندنی است که از چوب ساخته می‌شود و با انواع پارچه‌های قیمتی، آئینه، چراغ، و گل و سبزه آراسته می‌شود و آن را در روز عاشورا به محلی که مراسم تعزیه برپاست می‌برند. همچنین یکی از آئین‌ها و مراسم ویژه که در منطقه یزد در ماه محرم برگزار می‌شود آئین نخل بندی و نخل گردانی است، نخل از جنس چوب و آن را به شکل برگ درخت و یا سرو می‌سازند معمولاً وزن نخل زیادست و جابجا کردن آن نیاز به کمک ده‌ها نفر دارد و نخل را به عنوان نمادی از تابوت شهدای کربلا می‌شناسند و ریشه‌ی سنتی کهن دارد مردم یزد، در گویش محاوره‌ای به آن «نقل» می‌گویند.

دکتر اسلامی ندوشن می‌گوید: با آنکه نخل هیچ شباهتی به درخت خرما ندارد شاید از آن جهت به این نام معروف شده است که اصلش از جنوب غربی و بین النهرین آمده است.

چاووش خوانی

چاووش خوانی آئینی برای زیارت مرقد مطهر امام حسین علیه السلام و سفر عاشقان کربلاست چاووش خوانان به همراه علامت و بیرق خود با آواها و نواهای خود در

همراهی می کنند و همچنین در مناسب‌های دیگر همچون روز عاشورا نیز به چاووش‌خوانی می‌پردازند و در تمام نقاط ایران مرسوم است، چاووش‌خوانی از سویی بعد مذهبی و از سوی دیگر وجهه‌ای آئینی دارد.

زائران کربلا همواره بیرق سبز و سرخ می‌افرازند اما هنگامی که به کنار رود فرات می‌روند بیرق آبی را با دستان خود هدایت می‌کنند و نیز زائران بارگاه ملکوتی ثامن‌الائمه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام بیرق آبی دارند و چون یکی از مهمترین نمادهای آئین چاووش‌خوانی بیرق سفر است آنها به هنگام عزیمت به عتبات عالیات همواره به‌همراه خود برده و در مراسم چاووش‌خوانی از آنها (بیرق ۴) استفاده می‌کنند یکی از وجوه مشترک این آئین مشترک بودن اشعار چاووش‌خوانان در مناطق ایران است و چاووش‌خوانان همواره می‌کوشند که اشعاری متناسب با حال و هوای زیارت‌کنندگان را بخوانند و این اشعار گاه از سروده‌های بزرگان ادب پارسی است.

آئین چک چکو

این آئین ویژه‌ی استهبان فارس و بعضی دیگر از شهرهای این استان تاریخی و کهن کشور است. در این آئین دسته‌عزاداران با لباس‌های سیاه و شال‌های سبز در یک دایره دور حوض حلقه می‌زنند و در فاصله‌ی یک قدم می‌گردند در میان دسته‌هایشان چوب‌های کوچکی وجود دارد، در میان آن حلقه مرثیه‌خوانان ایستاده و می‌خوانند: این دل تنگم عقده‌ها دارد گوئیا میل کربلا دارد



و مردان سیاهپوش چوب‌ها را بالای سر برده و بهم می‌سایند و با آهنگ مرثیه‌خوانان تکرار می‌کنند: کز لبش جاری صوت قرآن‌ست

صدای چک چک چوب‌ها با صدای مرثیه‌خوانان در هم می‌پیچد و خلاصه آئین چک چکو هر ساله در استهبان فارس در ظهر عاشورا بر پا می‌شود این مراسم نمایشی که خاصّ روز عاشورا است با حضور ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر اجرا می‌شود. این سنت سملیک بنا بر اعتقاد مردمان آن خطّه واکنشی به سُم کوبی اسبان اشقیا بر بدن شهدای کربلا خاصه حضرت سید الشهداء علیه السلام است که از ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال قبل در استهبان برگزار می‌شده در واقع آئین چک چکو نوعی تعزیه است که در آن ۲ چوب تراشیده شده از صندل در دست هر کدام از شرکت‌کنندگان در آن مراسم است که هر بار که آن چوب‌ها را به بالای سر برده و بهم می‌زنند یک قدم نیز به جلو می‌روند و اینگونه حلقه‌ی جمعیت چک چکو در حال دَوَران است... الی آخر.

و اما... مقتل خوانی...

در اصل واقعه‌ی جانسوز عاشورا و روایت آن در اشعار و سروده‌ها و آواهای معنوی و مذهبی باعث شد تا آئین مقتل خوانی بوجود آید کلمه‌ی مقتل در زبان عربی به معنی زمینی است که کسی در آنجا کشته شده است و بنابر روایت تاریخ گزارشگران حادثه کربلا و در مرحله‌ی نخست اهل بیت مظلوم و اسیر آن حادثه عظیم اولین مقتل خوانان تاریخ شیعه بوده‌اند و کسانی که توانسته‌اند دیده‌ها و

شنیده‌های خود را در مورد آن واقعه‌ی جانسوز بنگارند اولین مقتل نویسان بشمار می‌آیند.

مقتل‌خوانی به عنوان آئینی در دو روایت شفاهی و مکتوب به صورت اصلی لاینفک از اعتقاد مردم درآمده و از سویی هم مقتل نویسی معادل با تاریخ نویسی شیعه همواره بعنوان آثاری گرانبها و اسنادی مذهبی و تاریخی مورد استفاده‌ی مردمان شیعه قرار دارد.

مقتل‌خوانی نخستین بار در زمان آل بویه در بغداد آغاز و در سال ۳۵۲ بنابر اظهارات کامل شیعی توسط دسته‌های عزرا تحت حمایت آل بویه اجرا شد. پس از آن در سال ۳۵۳ به دستور معزالدوله که عزای عمومی اعلام شده بود در حین دیگر مراسم عزاداری به طور متناوب برگزار شد و حتی برخی علمای حنفی مثل خواجه علی غزنوی و امام نجم الدین بلعمانی حنفی علناً سفیانیان را لعن کردند.

در سال ۳۹۸ که عاشورا مصادف با عید مهرگان در ایران بود ایرانیان مراسم عید را به تأخیر انداختند تا سال ۴۰۲ قمری فخرالملک، وزیر سلطان بهاء الدوله تأکید برگزاری این مراسم نمود. در سال ۴۷۹ سلاطین سلجوقی که از دوستداران اهل بیت بودند ملکشاه سلجوقی به‌مراه خواجه نظام الملک به زیارت کاظمین و نجف و کربلا رفت در آن زمان محمد بن عبدالله بلخی پس از سخنرانی و وعظ برای عالمان، مسئولان و طلاب نظامیه‌ی اهل سنت روضه و مقتل خوانی می‌کرد و این رسم تا اوایل سلطنت طغرل سلجوقی در بغداد و دیگر شهرهای ایران معمول بوده در ابتدا قرن هفتم چون محمد خوارزمشاه خواست علاء الملک



ترمذی که از سادات حسینی خراسان بود را بعنوان خلیفه در مقابل الناصر عباسی مطرح کند تا حدود زیادی نفوذ خلفای عباسی که حامیان مذهب سنت بودند رو به کاهش گذاشت و سرانجام در نیمه‌ی دوم قرن هفتم در سال ۶۵۶ با سقوط بغداد و حاکمیت یافتن ایلخانان در ایران و عراق مذهب اهل سنت با بحران جدی مواجه شد از این رو فرصت مناسبی برای توسعه‌ی تشیع و برگزاری شعائر و مراسم مذهبی همچون مقتل خوانی فراهم گردید و با روی خوش نشان دادن نمازان خان به شیعیان و سرانجام با رسمی شدن مذهب تشیع در مدت کوتاهی در زمان اولجایتو مراسم عزاهاری عمومیت یافت، مردم هرات پایخت تیموریان در نیمه‌ی دوم قرن نهم با فرا رسیدن محرم به برگزاری مجالس عزای اهتمام ورزیدند و حتی شاهزادگان و اُمرا به برگزاری عزای همت گماشتند.

با روی کار آمدن دولت صفویه و در آوردهن مملکت به صورت کشوری شیعه و مقتدر، سرودن شعر در مدح و رثای ائمه و شهدای کربلا برای شاعران افتخاری بزرگ محسوب می‌شد و این تأثیری بزرگ بر آینده‌ی آئین سوگواری محرم گذارد در این زمان کتاب روضه الشهداء به رشته‌ی تحریر درآمد در طول دوره‌ی صفویه گونه‌ی نمایشی برگرفته از کتاب روضه الشهداء پدید آمد و از اوایل سده‌ی شانزدهم در میان شیعیان انتشار یافت از این زمان به بعد تکیه‌ها و حسینیه‌ها و موقوفات مربوط به امام حسین شکل گرفتند دولت‌های مغولان و گورکانیان هند که از دولت صفویه متأثر بودند مراسم عزای امام حسین را بر پا می‌داشتند تا دوره‌ی کریم خان زند که شروع تعزیه خوانی رواج یافت از مقتل نویسان یکی مرحوم آقا بزرگ در ذیل عنوان مقتل شش مورد با نام مقتل و ۵۹ مورد با نام مقتل ابا



عبدالله الحسین و ۳ مورد با نام مقتل الحسین آورده در این میان اولین مقتل امام حسین را اصبح بن نباته مجاشعی، یکی از خواص حضرت امیرالمؤمنین که فرماندهی شرطه الخمیس در جنگ صفین بوده نوشته که بنا به قول ذریعه پس از سال ۶۴ هجری وفات یافته پس از او جابر بن جعفی متوفای سال ۱۲۸ از اصحاب امام باقر علیه السلام و ابو مخنف لوط بن بحیی متوفای ۱۷۰ نویسندهی مقتل الحسن و مقتل الحسین و مقتل امیرالمؤمنین علی علیه السلام و دیگر نصر بن مزاحم منقری متوفای ۲۱۲ نویسندهی کتاب واقعهی صفین و ابن واضح یعقوبی صاحب تاریخ یعقوبی متوفای ۲۹۴ و شیخ صدوق محمد بن علی بن الحسین قمی متوفای ۳۸۱ و شیخ طوسی متوفای ۴۶۰ قلم بررسی گرفته و مقتل نوشته‌اند.

و بنابر تاریخ معتبرترین مقتل، مقتل لوط بن یحیی مشهور به ابومخنف است تحت عنوان مقتل الحسین، او در نیمه‌ی دوم قرن اول هجری در کوفه بدنیا آمد و در یکصد و پنجاه و هفت (۱۵۷) یا یکصد و پنجاه و هشت (۱۵۸) وفات یافت پدر او یحیی بن سعید از یاران امام علی علیه السلام بود و جدش مخنف از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله.

ابو مخنف از مورخان نامدار صدر اسلام بوده و مقتل او تا قرن چهارم هجری موجود بوده و طبری در تاریخش از آن مقتل یاد کرده است.

رضی‌الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن طاووس معروف به سید بن طاووس هم کتابی نوشته به نام لهوف و آن کتابی است تاریخی و روایی درباره‌ی

قیام امام حسین علیه السلام.

ویژگی مقتل نینوایی (یک جرعه حماسه)

قابل ذکر است که در این مقاله به ویژگی‌های اهل بیت عصمت و طهارت پرداخته شده است و نیز از دیگر وجوه تمایز این مقتل اولاً منفک بودن وقایع کربلا و دوماً برشمردن بارزہ‌های منحصر به فرد آن بزرگان از منظر حماسی بوده است چرا که متأسفانه مشاهده می‌شود در پاره‌ای موارد ارادتمندان به آن خاندان به منظور رقت‌انگیز جلوه دادن آن فاجعه به طور سهوی دچار خطا شده و حضرت اباعبدالله علیه السلام را تا حد غیرمنصفانه‌ای قابل ترحم و ذلیل به تصویر کشیده‌اند حال آنکه اینگونه نبوده و نیست که چنانچه تحلیل‌گرانه به موضوع نهضت عاشورا نگریسته شود قطعاً به چیز رشادت و دلاوری آن هم در زمان حکمرانی زمامدار جائز و حکومت ظلم غیردینی و غیرمشروع، به نتیجه‌ی دیگری نائل نخواهیم شد شاهد مثال اینکه وقتی دشمن در بدو مقابله متوسل به ترفند حلیه‌گرانه‌ی ارسال امان نامه بمحضر جناب عباس علیه السلام می‌شود آن حضرت از موضع قدرت پاسخ می‌گوید که همین واکنش بیانگر، نگرش سیاسی و آشنایی به امور زمامداری عباس می‌باشد بنابراین مهم است که بدانیم عباس شاگرد مکتب علی، تعلیمات خود را به نحو احسن از پدر آموخته و این گوشه‌ای از علم اوست. که می‌گوید:

عباس و فریب مکر و نیرنگ سردار حسین و مرگ بی‌رنگ

از این نحوه‌ی برخورد و پاسخ‌گویی اینطور استنباط می‌شود که آن حضرت بدین‌طریق پیام خود را به سپاه یزید رسانده است و با شناختی که آنها از ایشان

داشته‌اند متوجهی عزم قوی و اراده‌ی مستحکم او شده و این امر موجب تضعیف
قوای روحی آنها خواهند شد و یا در یادآوری ولایت‌مداری خود می‌فرماید:

تنها نه برادرم حسین‌ست بل مرشد و رهبرم حسین‌ست
و در نشان دادن قوه‌ی قهریه‌ی خود پس از یادآوری و بر شمردن دلاوریها و
شجاعت‌های افتخارآمیز خاندانش خاصه پدر به ذکر چند نکته می‌پردازد اول اینکه
به وصیت پدرش در کربلاست که می‌گوید:

بابایم علی چنانکه می‌سوخت این شعله بجان من بیفروخت
و دوم اینکه سعی دارد آنها را متوجهی برداشت غلط از دین نماید که:
تعبیر شما ز دین همین است این زعم شما منافقین است
سوم و جالب اینکه در همان حال اشتباهات گذشته را به آنها یادآوری می‌کند مثل
جریان حکمیت و شهادت بی‌بی‌زهرا و اما در اشاره به اعتقادی بودن این قیام آن
را هم‌طراز حج دانسته و می‌گوید:

اینجا بر ما منای ثانی است باز چیه تیغ هر جوانی است
رمی جرات ما چنین‌ست وان قتل تمام مشکین است
قربانی ما بیای مولا‌ست وین عزت عمر ما به دنیا‌ست
هفتاد و دو شرزه در ورایش قربانگه کربلا منایش
خیلی زیباست در عین حال که بسیار آرام و باوقار است در نشان دادن انزجار خود
با عصبانیت و تحکم می‌گوید:

این خط آمان به سوی عباس دارد سر آبروی عباس
و برای قطع امید دشمن در نهایت می‌فرماید:



من زنده‌ی یک دم حسینم عباسم و همدم حسینم

هیاهات که ما و سر سپردن یا عشق حسین یا که مردن

از دیگر وجوه تمایز این مقتل که از دشواری‌های فنون بلاغت در شعر است ذکر نام تمامی افراد اعم از صحابه‌ی نزدیک امام و یا متقابلاً آن تعداد از اشقیا که شقاوت بی‌حدی روا داشتند و نیز در اخلاص وافر یاران امام و شاگردان مکتب علی در رسیدن به کمال مطلوب آمده است.

آنگاه زهیرقین قاطع اندری اوهلال نافع

رفتند به جشن و دلنوازی کردند بخنده مرگ بازی

در امام باوری اصحاب و یقین به درستی راه که منجر به آغوش گشودن بروی مرگ است مثلاً بهنگام نماز سعید بعنوان پیشمرگ امام، جلوی صف نمازگزاران ایستاده و خود را سپر دفاعی امام قرار می‌دهد که:

آنکه که سعید مست و مسرور چون ساقی بدست مغرور

استاد بقصد خوردن تیر در حفظ امام خود چنان شیر

از بسکه قشنگ تیر می‌خورد چون نشئه شراب سیر می‌خورد

یکی از نکاتی که کمتر به آن اشاره می‌شود بحث ولایتمداری صحابه‌ی امام است که با یقین کامل از مقام ولایت تأسی و حمایت می‌کنند بدون کمترین تردید که هر جا عطش وصال باشد تردید عملی محال باشد

و این درس بزرگی‌ست برای امروز شیعیان که تحت هر شرایط حافظ و حامی ولایت فقیه باشند این ولایت فقیه امروزی قطعاً همان امامت آنزمان و تسلیم محض ولایت بودن حتی در بحرانی‌ترین شرایط است.

اصولاً در بحث نقل تاریخ نمی‌توان آحاد جامعه را علاقمند به وقایع تاریخی دانست اما در نقل روایی مقتل می‌بینیم که همهٔ مردم تشنه و ارانه اشتیاق شنیدن دارند و این یکپارچی شنیداری، از بعد اهمیت تاریخی آن نیست بلکه وجه دینی آن موجب این استمرار می‌گردد،

یکی دیگر از خصوصیت‌های این مقتل فرم ادبی آنست زیرا وقتی سخن از شعر بمیان می‌آید ذهن شنونده به فوریت به مرور جلوه‌های هنری آن اثر متوجه می‌گردد و همان طوری که مستحضرید در شعر ساختار وزن، قافیه، مفهوم، تصویر، موسیقی، خیال و نیز از صنایع ایهام، ایجاز، استعاره، تشبیه، و دیگر صناعات ادبی وجود دارد و خواننده نیز از این مطلب که شعر دارای خصوصیات مختص خود است وقوف دارد بنابراین اگر مطلبی تحت عنوان شعر مطرح شود و خالی از موارد مذکور باشد اساساً شعر نیست بلکه می‌توان آن را متنی دانست مسجّع و این خیلی زیباست که در توصیف یک واقعه و یا پرداختن به یک موضوع تراژیک، هنر جلوه‌گر باشد و به نظر بنده این هنر است که شاعر می‌تواند تلخی را به شیرینی هنری بدون دستکاری و تغییر آن هم به صورت ترتیب یافته پردازش نماید، حال به مواردی از جلوه‌های هنر در تشریح واقعه‌ی اسفناک عاشورا به شیوه‌ای هنرمندانه در چهارچوب موهبت الهی شعر اشاره می‌کنیم. مثلاً در موضوع امان نامه از زبان عباس

در بیشه‌ی حیدری چنین شیر
حاشا که شود اسیر تزویر
از تیغ جواب من نرستی
ای زاده‌ی اشقیا چه پستی



معمولاً کشتار و خونریزی در شریعت الهی، نهی شده است اما در اینجا و در اشاره به الهی بودن پیکار می‌گوید: رمی جمرات ما چنین است تشبیه پیکار و نبرد به حج و مناسک، این یعنی اقامه‌ی فریضه، (اشاره به اهمیت امر به معروف) و در نیاز عبودیت بی‌نیازی معبود:

هر جا که سرود جان نمازست بی‌شک در سینه باز بازست

آنجا که همه نماز دارند یک سینه پر از نیاز دارند

ضمن آنکه دیگر قواعد هم رعایت شده قافیه‌ی نمازست = بازست و یا نماز = نیاز و از سوی دیگر دیدگاه است که تفسیر دارد مثلاً وقتی شما میدان جنگ را تشبیه به گلشن بکنید خب در گلشن معمولاً تفریح صورت می‌پذیرد، گشت و گذار، معاشرت و...

این بیشه‌ی سبز و گلشن عشق گردیده مطاف و مأمن عشق

حالا در توصیف گلشن:

هر کس به طریق بس قشنگی آورده جمال و آب و رنگی

یکسو گل و غنچه‌های خوشرنگ چون نقش ارم میان ارزنگ

آنطرف چمن، چمانه سروان اینگوشه گروه سینه سرخان

یکسوی دگر پرنده‌ها مست در بین چمن ستاده پا بست

یکسو گل سرخ و ارغوانی بنموده چو لاله دل ستانی

آواز چاکاوکان پُر شور طاووس و نمایشات مسرور

آن نغمه بلبلان پر سوز در زیر چراغ عالم افروز

و آن قله‌ی عاشقان که بداست معشوقه معاشران شاد است



در شهادت علی اصغر علیه السلام

آن وصل خدنگ و نای اصغر چون بوسه‌ی بس قشنگِ دلبر
بس برد ز جان و دل توان را بگداخت تمام عاشقان را
آن بوسه که تیر حرم‌له بُرد از حنجرِ ناشکفته‌ی خُرد
ناگاه شقایقی شکوفا از تیر سه شعبه شد هویدا
اصغر، چو کشید پای از آن شور بنواخت نوای تلخ ماهور
بنمود سماع وصل بر پای با نغمه‌ی نیمه‌ی نی نای
از چله‌ی چشم تیر آهش بنشست به سینه از نگاهش

تفاوت تأثیر مقتل با دیگر آئین‌های عزا

در طی سال‌های متمادی بسیار دیده‌ایم که در هر نقطه‌ی جغرافیایی عزاداری‌ها ویژگی‌های خاص دارند که هر یک از آنها آمیخته با فرهنگ هر خطه و برخاسته از باورهای فرهنگی‌ست در عین حال تمامی اقشار به آهنگ عزا اهتمام دارند اعم از سینه‌زنی - زنجیرزنی - تعزیه - هر وله و یا مقتل خوانی، اما آنچه بیشتر توجه برانگیز است مقتل خوانی آن هم به شیوه‌ی شعری چون در شعر همانگونه که گفتیم ظرایف هنری جذاب و دلنشینی نهفته است که مقبول هر طبعی است و همین طور از سوی دیگر از آنجا که در مذهب تشیع بی‌باکی و تهور، بای‌بندی به اصول، ولایتمداری و دیگر بارزه‌های منحصر به فرد در وجود هر شیعه موج می‌زند، نقل یک که مقوله آن هم اعتقادی آئینی خاصه شرح سوگ از منظر حماسی بسیار شنیدنی، دینی و هیجان‌انگیز است به همین دلیل در این روایت



جوهر حماسه جلوه‌ی جذابی به اثر بخشیده چونکه در انتقال حس، به شنونده و یا هر شیعه، غرور وافر و دست خواهد داد و این غرور چون محصول فتح و ظفر و پیروزی است شیعیان به موضوع شهادت عاشورائیان پیروزمندانه نگریسته و استنباط می‌کنند و همچنین است که به دلیل کم زنگ شدن مقتل خوانی به لسان شعر، خصوصاً این هنر آئینی بیشتر از دیگر سنت‌های عزا در یادها می‌ماند. همچنین از آنجا که مردمان ایران زمین عموماً شاعر پیشه و دوستدار ادبیات هستند و نیز از آن جهت که شعر چاشنی کلام است و جایگاه ویژه‌ای در بیان مفاهیم عرفانی دارد و جالبتر اینکه مورد توجه ویژه‌ی علمای دین هم قرار دارد کما اینکه می‌بینیم هر از گاهی مقام عظمای ولایت در نشست اختصاصی با شاعران تأکید مؤکدی بر اشاعه‌ی فرهنگ و ادب پارسی می‌فرمایند و اینکه این هنر توانسته است در بیان مفاهیم آئینی خاصه سنت آئینی عزا، تأثیر شگرفی به جا بگذارد، می‌بینیم که گاه‌ا نقشی که شعرهای آئینی در شدت تأثر بر سوگواره‌ها ایفا می‌کند بمراتب عمیق‌تر و تأثیرگذارتر از نثر و محاوره است شاهد مثال وقتی می‌خوانیم باز این چه شورش است که در خلق عالم است؟ تا الی آخر، چنان رقت قلب و تأثیری از مظلومیت سالار شهیدان بر ما مستولی می‌شود که قطعاً در مصیبات اعضاء خانواده و عزیزانمان چنین حسی پدید نخواهد آمد بنابراین می‌توانیم بگوئیم که اگر زبان شعر در تقدّم از زبان محاوره و روایت نباشد عقب نمانده است در این صورت به نظر می‌آید که مقتل خوانی به لسان شعر حس برانگیزتر از نقل محاوره است.

تشریح ویژگی‌های عاشورائیان از طریق مقتل

در گذشته گفتیم که یکی از دشواری‌های نقل تاریخ در پاره‌ای موارد که ضرورت ذکر نام‌ها الزامی است به زبان شعر، بر کسی پوشیده نیست، به همین دلیل وقتی می‌خواهیم در نقل روایت به شیوه‌ی مقتل خوانی به ذکر نام افراد همت گماریم تا حدّی با مشکل مواجه می‌شویم مثلاً در توازن مصرع‌ها آن هم در صورتی که تعداد ابیات تا حدّی بیش از انتظار و تصوّر باشد اما در این مقال به عنایت سرور و سالار شهیدان در این امر مدد رسید و تسهیل صورت پذیرفت حال به جهت اشراف خوانندگان عزیز به ذکر شواهد مثال‌هایی می‌پردازیم مثلاً در به میدان رفتن زهرین قین و هلال بن نافع و بربرین خضیر و یا وهب بن حباب کلبی و مسلم بن عوسجه که البته این چند نفر از باب مثال نام برده شده‌اند اینچنین آمده:

انگه زهیرقین قاطع	اندر پی او هلال نافع
وان یار دگر بربر دلداری	رفتند بسوی عرصه‌ی زار
آنگه وهب حباب کلبی	در اوج معاشقات قلبی
با مسلم عوسجه برفتند	زان رزم بسی صله گرفتند

سواى از اینکه به لحاظ ادبی چنین دشواری‌هایی پیش رو بوده است از منظر آرمانی تصور اینکه کسی بتواند آگاهانه و با علم به اینکه دقایقی دیگر به طرز فجیعی کشته خواهد شد به استقبال مرگ برود حقیقتاً لرزه بر اندام آدمی خواهد افتاد و انسان را به تفکر وامی‌دارد که مگر می‌شود؟ و همین تشخیص تفاوت هم عبرت است و هم یادآور عظمت روح آن بزرگواران و اینکه از چه مرتبه‌ی ایمانی و اعتقادی برخوردار بوده‌اند و تازه این‌ها از بعد ولایتمداری نیز قابل تأنی و بحث



است که در جای خودش به آن خواهیم پرداخت، ویژگی دیگری که بسیار زیبا، جذاب و غرور انگیز است برای شیعیان، بی‌باکی و تهور و شجاعت است که همین خصیصه وجه تمایز و خط فاصله است بین بنی‌هاشم و دیگر قبایل مثلاً علی اکبر علیه السلام در رجز خود اینطور می‌فرماید:

نامم علی است و کنیه اکبر	جانم بکف ست و سینه اسپر
فرزند علی ز جان نترسد	چون شیرز روبه‌نان نترسد
در بهی مصطفی دلیرست	در بین شما سگان چو شیرست

ببینید انگار علی اکبر علیه السلام سپاه عظیم دشمن را نمی‌بیند و در عین حال زبان به طرد و تحقیر گشوده و ابایی هم ندارد و همچنین جناب قاسم بن الحسن هم همینطور اما او را شاهد مثال وجه تمایز و ویژگی دیگری قرار می‌دهیم و آن ویژگی عبارتست از کیاست و فراست و دانایی تو گویی رزم آوری در بین ایشان وراثتی است، ادب از خصوصیات ذاتی آنهاست تواضع در مقابل عموی بزرگتر خیلی زیباست ببینید ادب قاسم علیه السلام را می‌فرماید:

این مه که مهین عالمین است	روشنگردین ما حسین ست
من را چه به نام نازنین اش	حق ست کلام دلنشین اش

و در وقت رویارویی با ارزق از تمرکز بالایی برخوردار است این اعتماد به نفس از یک نوجوان بسیار بعید و دور از باور است لذا چون می‌داند که امکان پیروزی بر ارزق سواره بسیار کم است فوراً تدبیر می‌کند به شکلی که ارزق خودش سر را

پائین بیاورد تا در وضعیت ضربه‌پذیری قرار گیرد از همین جهت وقتی ارزق به عباس می‌گوید سزای من نام‌آور پیکار با کودک نیست قاسم علیه السلام می‌گوید:

آنکس که رجز چنان بخواند	آئین دلاوران بداند
رزم آوری‌ات بچند ساز است	پاپوش تو را چو بند بازست
تا گفت که بند و باز و پاپوش	شد ارزق بدقواره خاموش
خم گشت مرش بقصد دیدار	تا پی ببرد به صدق گفتار
قاسم به طریق حجت‌الحق	شمشیر بزد بنه فرق ارزق

و یک نکته دیگر اینکه تمام یاران امام در یک وجه، اشتراک داشتند و آن اقامه‌ی امر به معروف بوده است هیچ کدام از ایشان آغازگر حمله نبوده‌اند و بلکه در مقام دفاع شمشیر زده‌اند و مهم‌تر از دیگر موارد اینکه تمامی آنها ابتدا به نصیحت و اندرز و دعوت به حمایت رهبر و امام سخن گفته‌اند بهر حال تا هم اینجای بحث هم مقدمه‌ی طولی شده اما چون بحث ناتمام است از این مقال گذشته و به دیگر فصول می‌پردازیم.

تثبیت فرهنگ ولایت‌مداری در جریان نهضت از دیدگاه مستقل

نکات بسیاری در قضیه‌ی عاشورا نهفته است و درس‌های فراوانی از آن واقع‌ی جانشوز برداشت می‌شود اما در آن میان نکته‌ی بسیار مهمی توجه آدمی را جلب و به تفکر وامیدارد این نکته محرز است که آنچه از کلام آن بزرگان استماع و استنباط می‌شود این است که ایشان خود عالم و عامل به آنچه فرموده‌اند بوده‌اند که ما در این مقال اشاره‌ی کوچکی به پیام و درس پابندی به امور دین و مذهب



خاصه امام شناسی و اما باوری و ولایتمداری خواهیم داشت از باب مثال اینکه یاران امام از مرتبه‌ی کمال و معرفتی بسیار بالا برخوردار بوده‌اند که با یقین کامل پای در راه یاری رهبر خود گذارده‌اند (درسی برای ما) دیگر اینکه دلسوزی و شفقت و مهربانی ولی امر مسلمانان شواهد مثالی بسیار دارد از جمله اینکه امام در راه عزیمت به کربلا با عبید الله بن حر جعفری دیدار و او را به حضور در مقابله با یزیدیان دعوت می‌کند و در واقع می‌خواهد از این طریق او را نجات دهد، آخرتش را بیمه کند اما آنجا که تردید و ناباوری امام و رهبر دین گریبان گیر آدمی باشد و بشود آدمی خود به دست خویش دست لطف خدا را پس می‌زند بهر حال عبیدالله بیچاره در پاسخ به امام می‌گوید یا حسین من خودم خیلی گرفتارم و مشغله‌ی بسیاری دارم (توجیهاتی که بعضی از امروزها هم در دوران دفاع مقدس و حال حاضر آوردند و می‌آورند) و نمی‌توانم همراه شما بیایم اما یک شمشیر تیز و یک اسب راهوار دارم که هر دو را به تو می‌بخشم لذا امام که نیت بالاتری داشت عطای او را به لقایش بخشید و رفت اما همین آقا چندی بعد در قیام مختار و بعد از آن بدست زبریان بطرز فجیعی کشته شد این یعنی عاقبت به شری در اثر بی‌توجهی به آیات خداوند اما متقابلاً جناب حر آمد و توبه کرد و پذیرفته شد و اولین جام شهادت را هم نوشید ببینید توجه و عدم توجه به موضوع امامت و ولایت در اصول مذهب چه عواقب زشت و زیبایی می‌تواند داشته باشد خدا نکند که ما آنچنان تزلزل اعتقادی پیدا کنیم که به سرنوشت عبیدالله حر جعفری دچار شویم بهر حال که از بحث خارج نشویم به طور مثال جناب عباس علیه‌السلام در

بل مرشد و رهبرم حسین است

اینجا نه برادرم حسین است

یا جناب علی اکبر(ع):

در سینه‌ی من ولای مولا است

جانم به خدا فدای باباست

دشمن به مصاف در کمین است

اینک که امام مسلمین است

و یا جناب قاسم بن الحسن(ع) در حمایت از امام:

روشنگر دین ما حسین است

این مه که مهین عالمین است

افزون بکنیم ارادتش را

گردن بنهیم امامتش را

قطعاً اینها پیام‌هایی بودند و هستند که آن اولیاء معظم علیهم صلوٰة الله اجمعین برای نسل‌های بعد به یادگار گذاردند لذا از آنجا که زبان شعر بسیار شیرین است و بلکه در شعر موسیقی و هارمونی جذابی وجود دارد و اساساً بدلیل امکان استفاده از لطایف و ظرایف مجاز و شیرین در ادبیات و قواعدی همچون تشبیه و استعاره و دیگر صنایع چنانچه مقتل را به زبان شعر بخوانیم و بشنویم آنهم به لحن و قالب حماسی آن روحیه‌ی فتوت و جوانمردی و آزادیخواهی جریان یافته و به شکل خاطره انگیزی در ذهن می‌ماند و بلکه از همین شیوه و طریق می‌توان عبرتها و درس‌های عاشورا را به نسل‌های آینده منتقل کرد نکته‌ی دیگر اینکه زبان محاوره ممکن است در گذر زمان قرون متمادی تغییر یابد اما شعر تنها شیوه‌ی بیان است که در زمان هم تغییر نمی‌کند



نگرش اعتقادی به موضوع شهادت در مقتل

این نکته نیز همچون دیگر نکاتی که به آنها پرداخته شد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است اینکه انسانها عموماً مرگ را پایان تلقی کنند ناشی از جهل و ناشناختی است و نیز از سویی یکی از جنبه‌های ایمان شناخت است اساساً چنانچه نسبت به چیزی یا کسی شناخت لازم وجود نداشته باشد معرفتی از آن دست نمی‌دهد و حاصل نمی‌شود و همچنین است که ایمان و اعتقاد از مراحل دین باوری و خداشناسی است و این مربوط می‌شود به نوع جهان بینی، بنابر این اگر شناخت و باور باشد مرگ نیز پایان تلقی نشده و بلکه پلی است از مجاز به واقعیت و همینطور است که از یک نگرش درست می‌توان در طرز تلقی جهان بینی از تلخی دنیوی به شیرینی اخروی نائل و تکامل یافت زیرا از این جهان فانی جز فنا محصول نمی‌شود که چنانچه در عالم جسم محدودیت‌هایی وجود دارد پرده‌های استتاری هست چون ظرفیت جسم محدود است متعلق است به عالم ماده، اما چون وسعت روح لایتناهی است، محدودیت و محدوده و مرزی وجود ندارد و متصل است به روحانیت مطلق بنابراین عاشورا ئیان به درک این مهم (البته غیر از اهل بیت امام بلکه منظور صحابه‌ی امام هستند) نائل آمده بودند و چون آن بزرگان از برکات ملکوتیت امام معصوم بهره‌مند شده بودند کلام امام و رهبر را حجت می‌دانستند همین است که حضرت علی اکبر (ع) می‌فرماید:

یا رَیّ شما به ما شریک است این شیوه‌ی مرگ ما قشنگ است

این یعنی اینکه او در زیباشناختی غرق بوده است مرگ برایش احلی من العسل

بوده است با بهجت نماز ظاهر عاشورا سعید استفاده مقتضای اینها را کرده و کز



که از چه جهت و مسیری می‌آیند خود را حرکت داده و دقیقاً، تعمداً بدنش را هدف و سپر تیر قرار می‌دهد.

باران بلا و تیر اوباش چون فوج سیه دلان خفاش

می‌خورد به سینه ستبرش می‌گشت فزون شکیب و صبرش

از بسکه قشنگ تیر می‌خورد چون تشنه شراب سیر می‌خورد

با این حساب آنها شهادت را کمال می‌دانستند و برای لقاء الله گویی سبقت داشتند

خواندند نماز وصل دلدار با عشق حسین و شوق دیدار

و یا عباس(ع) هنگام رفتن به سوس شریعه:

این بازی پر بهانه زیباست جانبازی عاشقانه اینجاست

چالا کم و ریه در تنم نیست بی‌باکم و باک مردنم نیست

فرآیند مقتل خوانی و مراسم آئینی در جامعه‌ی مدرن

آری اینکه تمامی شیعیان، عشق اهل بیت عصمت و طهارت را چنان خون در رگها جاری دارند شکی نیست اما اینکه مبلغان، اهل منبر، کارشناسان دین و متولیان امر فرهنگ تا چه اندازه مسئولند؟ قابل بحث است اما اینکه می‌بینیم در بعضی زمینه‌ها جلوه‌های دینی و اعتقادی مثل حضور در مساجد و پیوستن به نمازهای جماعت روزانه و یومیه، کم رنگ شده است از کم همتی و قصور بنده و امثال بنده است، این مشکل نسل جوان امروزی نیست قصور آنها هست اما تقصیر ایشان نیست چون ما هنوز نحوه‌ی برقراری رابطه با نسل جوان و فرهنگ‌های اجتماعی و خانوادگی مختلف را پیدا نکرده‌ایم یا اشراف نداشته‌ایم که پذیرفتنی نیست یا اهتمام نورزیده‌ایم که تقصیر است بنابراین بنده شخصاً تجربه کرده‌ام که



مردم تشنه‌ی مناقب اهل بیت هستند سخن مثل غذاست چنانچه در طعم و مزه‌ی آن تغییر ایجاد نشود، اشتها را زایل می‌کند لذا اگر ما بتوانیم با جامعه و آن دسته از مردمی که آگاهی و اطلاعات کمتری از تاریخ دین و فرهنگ‌های آئینی دارند همسنگر شده و از این طریق به وظایف فرهنگی دینی عمل کنیم باور کنید مردم تشنه‌ی معارف، خصوصاً نسل جوانی که مورد هجوم تهاجمات فرهنگی بیگانگان قرار گرفته‌اند اشتیاق شنیداری بیشتری از شوق گفتاری اهل خطابه و وعظ دارند کما اینکه بنده در استان البرز در سال ۸۹ با همت عده‌ای از جوانان مشتاق اقدام به مقتل خوانی نمایی و نمادین نمودیم که در همین رابطه از استقبال گسترده و بی‌سابقه‌ی مردم بهره‌مند شدیم و تأثیرات آن مراسم را تا هنوز مشاهده می‌کنیم بدلیل آنکه مقتل خوانی برای آن جماعت تازه‌گی داشت بنابراین آنجا که گفتم سخن مثل غذاست باید در طعم آن تغییر ایجاد شود تا اشتهاآور شود همینطور است در بعد اجرای سنت‌های آئینی کما اینکه مشاهده می‌شود که در ماه محرم هر شخصی با هر باور فرهنگی و یا هر نوع شئونات و پوششی اعم از موجه و غیرموجه سیاهپوش شده و در نکایا و حسینیه‌ها پایند می‌شود و بر سر و سینه می‌زند لذا من امیدوارم که این اثر مقبول طبع مردم شیعه و دوستدار آل پیامبر قرار گیرد و هر کس به هر شکلی که بتواند به اقامه‌ی عزای سید و سالار شهیدان بپردازد انشاءالله تعالی

پایان مقدمه

مجید بوربور

آبان ۱۳۹۰